



۱۴۰۲/۰۱/۱۴ - ۰۹:۳۳ 📅

ترس آمریکا از یک سفر؛

راهبرد طلایی واشنگتن شکست خورد؟

سفر رئیس‌جمهوری چین به مسکو، ترس اصلی آمریکا را به واقعیت تبدیل کرد. مقام‌های واشنگتن به بهانه بحران اوکراین امیدوار بودند استراتژی «جداسازی مسکو-پکن» را به صورت کامل اجرا کنند؛ برنامه‌ای که با سفر شی به مسکو و ارائه «طرح صلح ۱۲ ماده‌ای» شکست خورد.



به گزارش ایران آنلاین، یکم تا سوم فروردین‌ماه ۱۴۰۲، کاخ کرملین میزبان شخصی بود که نخستین سفر رسمی خود را بعد از انتخاب دوباره به‌عنوان رهبر جمهوری خلق چین انجام می‌دهد.

«شی‌جین‌پینگ» رئیس‌جمهوری که روزبه‌روز تحولات جدیدی را در پیرامون کشور خود مشاهده می‌کند و قرار است به‌همراه کابینه‌اش گرداننده دوره‌ای باشد که در آن باید برای

«بادهای قوی، موج‌های بلند و حتی طوفان‌های خطرناک» آماده باشند؛ این تعبیر

رئیس‌جمهوری چین از دورانی است که ایالات متحده آمریکا در آن دست‌وپا می‌زند تا برتری و تسلط خود را حفظ کند.

پس از بحران اوکراین، تلاش‌های واشنگتن برای کاهش همکاری مسکو-پکن بیشتر شد اما دولت چین ضمن حفظ فاصله مشخص نسبت به اتفاقات اوکراین و ایفای نقش صلح‌جو در برابر آن، به همکاری خود با مسکو ادامه داد.

واقعیت اینکه همکاری روسیه و چین در سال‌های گذشته ساختارمند شده و کانال‌های قدرتمند زیادی بین دو کشور برای پیگیری و افزایش مناسبات اقتصادی و سیاسی وجود دارد.

برنامه توسعه! از تبادل یوان-روبل تا تجارت ۲۰۰ میلیارد دلاری

ورود شی به مسکو با استقبال بی‌نظیر هم‌تایان روس آن‌ها همراه بود. پس از آن، گفت‌وگوی غیررسمی و البته صمیمی پوتین و شی نخستین خبری بود که مورد توجه همه رسانه‌ها قرار گرفت.

روز بعد، برنامه استقبال ابتدا با ملاقات «میخائیل میشوستین» نخست‌وزیر روسیه آغاز شد. در این دیدار گفته شد رئیس‌جمهوری چین از پوتین و نخست‌وزیر او برای شرکت در سومین مجمع بین‌المللی پروژه اقتصادی یک کمربند-یک جاده دعوت کرده است.

۲۲ مارس تاریخ دیدار رسمی رئیس‌جمهوری روسیه و چین در کاخ کرملین بود که در فرایند آن «برنامه توسعه کلیدی زمینه‌های همکاری اقتصادی روسیه-چین تا سال ۲۰۳۰» به امضای رئیس‌جمهوری دو کشور رسید.

قرار است گردش تجاری روسیه و چین در سال ۲۰۲۳ به ۲۰۰ میلیارد دلار برسد، رقمی که در گذشته، آن را برای پایان سال ۲۰۲۴ پیش‌بینی کرده بودند

یکی از موضوع‌های مهمی که مورد بررسی و تأکید طرفین قرار گرفت، استفاده از ارزهای ملی در خرید و فروش نفت و گاز، تجارت الکترونیک و جایگزینی تدریجی یوان و روبل در تجارت دوجانبه بود.

براساس گفته مقام‌های دو کشور، قرار است گردش تجاری روسیه و چین در سال ۲۰۲۳ به ۲۰۰ میلیارد دلار برسد، رقمی که در گذشته، آن را برای پایان سال ۲۰۲۴ پیش‌بینی کرده

بودند.

براساس آمار اداره کل گمرک چین، گردش تجاری دو کشور در سال ۲۰۲۲ به حدود ۱۹۰ میلیارد دلار افزایش یافت که این بالاترین رقم در تاریخ روابط تجاری دو کشور محسوب می‌شود؛ به این ترتیب، رسیدن به رقم بیان‌شده تا پایان ۲۰۲۳ امکان‌پذیر است. برخی موارد مهم در برنامه ۲۰۳۰ را در تصویر زیر بخوانید.

توسعه همکاری در زمینه تأمین کالاهای اساسی و منابع معدنی

افزایش سطح همکاری کشاورزی به منظور تأمین امنیت غذایی

همکاری‌ها در زمینه فناوری‌های نوین

گسترش سطح همکاری‌های تجاری و مالی با استفاده از پول‌های ملی

تضمین امنیت انرژی

توسعه تجارت الکترونیک

برنامه توسعه‌ی کلیدی زمینه‌های همکاری اقتصادی روسیه-چین تا سال ۲۰۳۰

قدرت سیبری به چین می‌رسد!

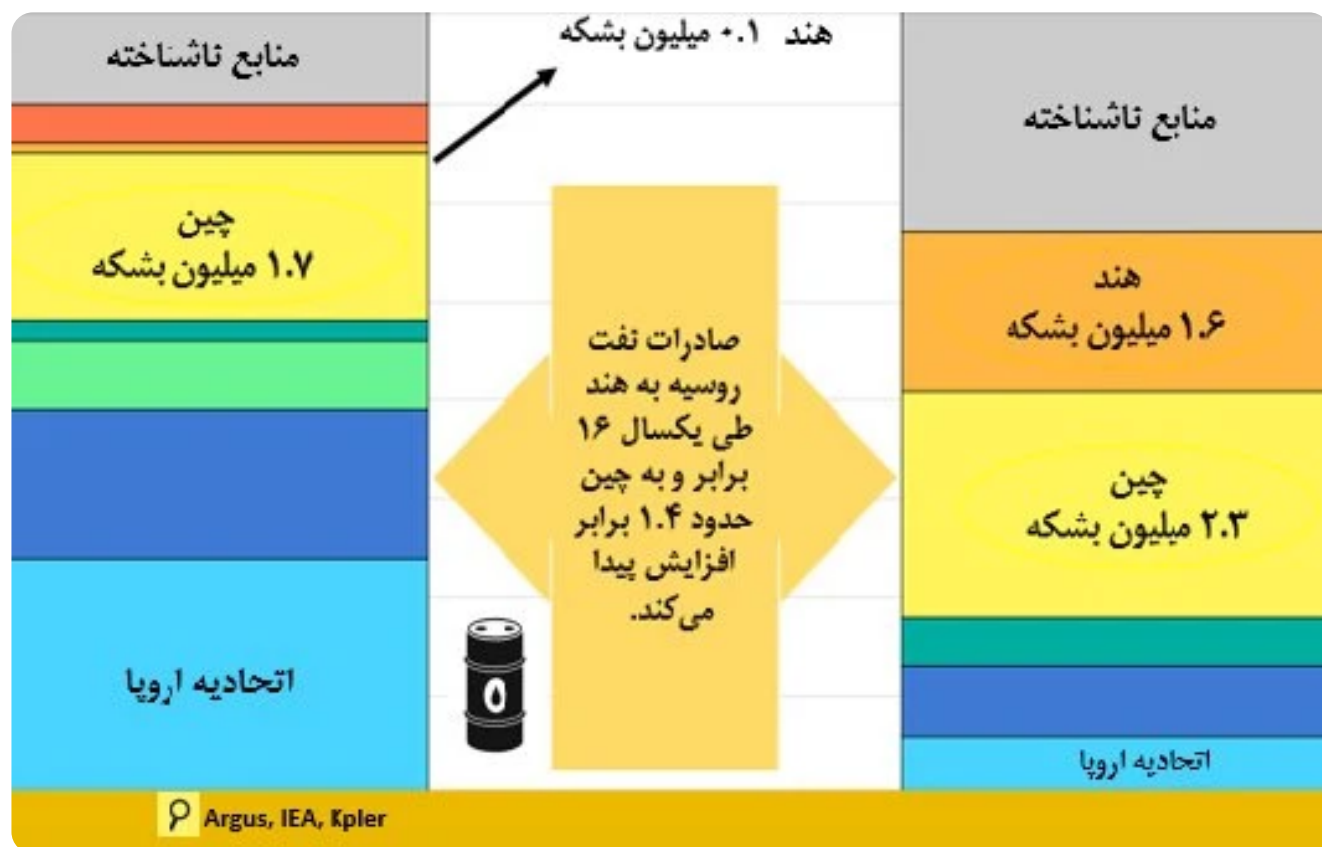
پس از آغاز بحران اوکراین در ۲۴ فوریه ۲۰۲۲، مسکو همواره در جست‌وجوی مشتری برای فروش منابع نفت‌وگاز خود با تخفیف ویژه بوده است. در این زمینه، هند و چین به‌عنوان دو مشتری بزرگ روسیه شروع به خرید منابع انرژی تخفیف‌دار روسیه کردند.

میزان خرید نفت خام روسیه توسط هند در ژانویه سال ۲۰۲۲ یعنی پیش از شروع بحران ۲۴ فوریه، کمتر از ۰.۱ میلیون بشکه در روز بود اما این میزان در ژانویه ۲۰۲۳ به افزایش ۱۶ برابری یعنی ۱.۶ میلیون بشکه در روز می‌رسد.

چین میزان خرید نفت خام خود از روسیه را حدود ۱.۴ برابر افزایش داده و به ۲.۳ میلیون بشکه در روز رسانده است

چین نیز میزان خرید نفت خام خود از روسیه را حدود ۱.۴ برابر افزایش داده و به ۲.۳ میلیون

بشکه در روز رسانده است. از سوی دیگر، صادرات نفت خام روسیه به اروپا در ژانویه ۲۰۲۲ حدود ۲.۴ میلیون بشکه در روز بوده که سال بعد به عدد ۰.۶ کاهش می‌یابد. این ارقام نشان می‌دهد خرید چین و هند در یک‌سال گذشته کمک قابل‌توجهی به اقتصاد روسیه کرده است.



با این حال، روسیه علاوه بر فروش نفت خام، به دنبال جایگزین مناسبی برای صادرات منابع گازی خود است.

به‌طورکلی، جایگزینی مقاصد مختلف برای ارسال گاز طبیعی نیاز به صرف زمان و هزینه زیادی دارد اما مسکو باید بخش زیادی از کسری به‌وجود آمده ناشی از تحریم‌های انرژی اروپا را جبران کند؛ بنابراین، برای غلبه فوری بر شرایط موجود، مقام‌های روسیه و چین در دیدار اخیر بر تسریع اجرای خط لوله گاز قدرت سیبری-۲ تأکید کردند. به ویژه آنکه، میزان مصرف گاز چین تا اوایل ۲۰۲۳، به حدود ۳۸۰ میلیارد مترمکعب افزایش یافته است و روسیه می‌تواند گاز بیشتری را به چین صادر کند.

خط لوله گاز قدرت سیبری-۲ و گسترش روابط اقتصادی مسکو-چین از جمله اخباری بود که در رسانه‌های مختلف به آن پرداخته شد، به‌گونه‌ای که مساله وابستگی روسیه به چین نقل بسیاری از محافل کارشناسی بود اما پوتین در یک برنامه تلویزیونی زنده بیان این موارد را

ناشی از حسادت اروپایی‌ها خواند و تأکید کرد که تجارت اروپایی‌ها با چین بسیار بیشتر از این ارقام است.

درباره خط لوله گاز قدرت سبیری-۲، حجم و مسیر انتقال گاز در تصویر زیر بخوانید:



آمریکا به‌عنوان یک تهدید مشترک

رسانه‌های آمریکایی، دیدار پوتین و شی را هم‌گرایی دو کشور برای مقابله با نفوذ آمریکا بیان کردند و به بیانیه مشترک رئیس‌جمهور چین و روسیه علیه اقدامات بی‌ثبات‌کننده ناتو اشاره کردند.

سی‌ان‌ان در گزارش خود به نقل از «الکساندر کورلف» کارشناس روابط بین‌الملل می‌نویسد «بیانیه مشترک روسیه و چین نشان‌دهنده هم‌گرایی کلی دیدگاه‌ها و رویکردهای جهانی چین و روسیه نسبت به بسیاری از مسائل بین‌المللی است. این واضح و روشن است که آن‌ها ایالات متحده آمریکا را یک تهدید امنیتی بزرگ معرفی می‌کنند.»

«واشنگتن‌پست» نیز در گزارشی در واکنش به این دیدار آورده است: «این اتحاد روبه‌رشد بین دو کشور به‌عنوان بزرگ‌ترین چالش استراتژیک و نظامی آمریکا، این قابلیت را دارد که نظم جهانی را به همان عمقی که ایالات متحده آمریکا انجام داد، تغییر دهد.»

به نظر نویسندگان این گزارش، سفر شی به روسیه، نشان‌دهنده «بازی چین با کارت روسیه»

برای مقابله با تلاش‌های آمریکا برای محاصره و مهار رشد اقتصادی-نظامی چین است.

واشنگتن‌پست: «اتحاد روبه‌رشد بین دو کشور چین و روسیه به‌عنوان بزرگ‌ترین چالش استراتژیک و نظامی آمریکا، این قابلیت را دارد که نظم جهانی را به همان عمقی که ایالات متحده آمریکا انجام داد، تغییر دهد»

انتخاب چین!

کارشناسان روس نیز مواضع متفاوتی نسبت به سفر شی به روسیه داشتند. برخی از آن‌ها معتقدند سرانجام پکن مجبور بود یکی از طرفین را انتخاب کند.

برای نمونه «آلکسی ماسلوف» مدیر مؤسسه کشورهای آسیایی و آفریقایی دانشگاه دولتی مسکو (لومونسوف) معتقد است «چین عادت دارد فراتر از منازعه قرار گیرد و همواره خواهان یک راه‌حل مسالمت‌آمیز از طریق یک فرآیند مذاکره باشد و به‌هیچ‌وجه مقابله نکند؛ هنگامی‌که چین نیاز به انتخاب داشت، بلافاصله نیاز به تعیین مسیر سیاسی بعدی را پدید آورد. حتی در ابتدای سال گذشته، پکن به یک سیاست فاصله‌گذاری پایبند بود اما اکنون چین مجبور به انتخاب شده و این انتخاب طرفدار روسیه بود».

ماسلوف این موارد را در گفت‌وگو با اندیشکده شورای امور بین‌الملل روسیه (ریاک) بیان کرد و افزود: پکن در یک‌سال گذشته فشارهای زیادی مانند عدم عرضه تعدادی از فناوری‌ها به چین مانند نیمه‌هادی‌ها، مساله سین‌کیانگ و موضوع تایوان را تجربه کرده است. بنابراین، آنها متوجه این مساله شده که این موارد فقط مربوط به اختلاف‌های اقتصادی نیست، بلکه تلاشی برای نابودی مدل توسعه چین است.

آمریکا از چه چیزی می‌ترسد؟

شاخص‌ها و گزاره‌ها نشان می‌دهد دوران تسلط آمریکا بر نظام بین‌الملل به پایان خود نزدیک است و اکنون در شرایط گذار در نظم بین‌المللی به سر می‌بریم.

روسیه و چین دو کشوری که تقریباً از شروع قرن بیست‌ویکم درصد به چالش کشیدن برتری آمریکا و پیاده‌سازی راهبرد به اصطلاح «موازنه نرم» هستند، تاکنون این راهبرد را عموماً از طریق سازوکارهای منطقه‌ای و جهانی مانند سازمان همکاری شانگهای، بریکس، اتحادیه اقتصادی اوراسیا و پروژه یک کمربند-یک جاده اجرا کرده‌اند.

از سوی دیگر همه محافل رسمی و غیررسمی آمریکا، ظهور چین به‌عنوان یک قدرت رقیب

را پذیرفته‌اند و در ۶ سال اخیر به درجه‌ای از اطمینان رسیده‌اند که حضور و نفوذ واشنگتن در ایندو-پاسیفیک با چارچوب‌هایی نظیر کواد (گفت‌وگوی امنیتی استراتژیک بین استرالیا، هند، ژاپن و ایالات متحده) و اوکس (پیمان امنیتی سه‌جانبه بین استرالیا، بریتانیا و ایالات متحده) افزایش یافته است.

با شروع بحران اوکراین، واشنگتن هم‌زمان پروژه منزوی‌ساختن روسیه را دنبال کرد و در جست‌وجوی اعمال تحریم‌های شدید و مؤثر علیه مسکو بود اما براساس راهبرد آمریکا، این موارد زمانی اثرگذار خواهد بود که همه متحدان آمریکا به این تحریم بپیوندند

با شروع بحران اوکراین در ۲۴ فوریه ۲۰۲۲، واشنگتن هم‌زمان پروژه منزوی‌ساختن روسیه را دنبال کرد و در جست‌وجوی اعمال تحریم‌های شدید و مؤثر علیه مسکو بود اما براساس راهبرد آمریکا، این موارد زمانی اثرگذار خواهد بود که همه متحدان آمریکا به این تحریم بپیوندند و با تحت فشار قراردادن کشورهای هم‌سوی مسکو، به جداسازی آن‌ها از روسیه پردازند.

اندیشکده رَند با انتشار مقاله‌ای در سال ۲۰۱۹، روسیه و چین را چالش‌های متمایزی برای واشنگتن معرفی می‌کند. از این نظر «روسیه یک کشور با نیروی نظامی خوب است که تخریب نظم بین‌المللی را دنبال می‌کند و امیدی به تسلط بر آن ندارد اما چین یک رقیب هم‌تا برای ایالات متحده آمریکاست که می‌خواهد یک نظم بین‌المللی را شکل دهد و بر آن تسلط داشته باشد.

روسیه از روش‌های نظامی و برخورد سخت استفاده می‌کند اما چین نفوذ خود را بر مبنای اقدامات مثبت مانند تجارت، سرمایه‌گذاری و کمک‌های توسعه‌ای افزایش می‌دهد».

در این مقاله دو بار به این موضوع اشاره شده که آمریکا با همکاری شرکاء و متحدانش می‌تواند این فرایند را دنبال کند؛

_ در تحریم‌های مؤثر علیه روسیه

_ در رقابت اقتصادی با چین

اگرچه لحن نویسنده بیشتر توصیه‌ای است اما در واقعیت آمریکا بدون همراهی حداکثری متحدانش نمی‌تواند این فرایند را پیش ببرد. از سوی دیگر، این مقاله به‌صورت ضمنی به

این موضوع اشاره دارد که برخورد هم‌زمان با دو قدرت اشتباه بزرگی است.

در اواسط سال گذشته میلادی، «جو بایدن» رئیس‌جمهوری آمریکا مدعی شد «هنوز اقدامات و وعده‌های مشخصی از سوی چین برای حمایت از روسیه نمی‌بیند».

پس از آن، نشریه دیپلمات با انتشار مقاله‌ای به قلم یک کارشناس چینی، به این اظهارات بایدن اشاره می‌کند و می‌نویسد: «این موارد نشان می‌دهد مسکو بیشتر به پکن وابسته است و ایالات متحده آمریکا بیشتر از چین می‌ترسد!»

ترس اصلی آمریکا شکست استراتژی خود برای مقابله با روسیه و چین است که می‌توان آن را استراتژی «انزوا-محور» نامید زیرا مقابله هم‌زمان با دو قدرت چین و روسیه امکان‌پذیر نیست

ترس اصلی آمریکا شکست استراتژی خود برای مقابله با روسیه و چین است که می‌توان آن را استراتژی «انزوا-محور» نامید زیرا مقابله هم‌زمان با دو قدرت چین و روسیه امکان‌پذیر نیست، به‌ویژه آنکه چین با رویکرد نرم و تعاملات اقتصادی خود توانسته به نفوذ قابل‌توجهی در کشورهای مختلف جهان دست پیدا کند.

باتوجه به وقایع مربوط به بحران اوکراین، می‌توان گفت استراتژی انزوا_محور آمریکا شامل ۶ مرحله است:

۱. تحریک و درگیرساختن کشوری با رویکرد ژئوپلیتیکی انعطاف‌ناپذیر مانند روسیه
۲. ترغیب کشورهای متحد و هم‌سو برای اعمال فشار و محدودسازی روسیه مانند انگلیس، ژاپن، آلمان و...
۳. ایجاد فشارهای بین‌المللی با ابزارهای مالی و حقوق‌بشری و به‌طورکلی تاکتیک بدنام‌سازی
۴. فشار بر کشورهای غیرهم‌سو و رقیب برای کاهش مناسبات خود با کشور هدف مانند چین
۵. منزوی‌سازی کشور هدف و ضعیف‌سازی کامل آن

۶. در نهایت، شروع مقابله و برخورد با کشور رقیب با رویکرد ژئواکونومیک خود یعنی چین نام‌گذاری کشورهای همراه آمریکا به «محور» به این دلیل است که بسیاری از این کشورها حتی در شروع بحران نیز از سیاست‌های واشنگتن پیروی نمی‌کردند و برخی از آنها مانند

هند نیز خرید نفت روسیه را چند برابر می‌کند؛ بنابراین برای همه آنها در هر شرایط زمانی مختلف نمی‌توان از اصطلاح «اتحاد» استفاده کرد.

برای مثال می‌توان گفت فرانسه و آلمان بیشتر موافق زمینه‌سازی برای مذاکره و صلح هستند، اما فشارهای کاخ سفید این اجازه را به آنها نمی‌دهد.

در یک جمع‌بندی باید گفت موارد بیان‌شده در کنار سفر شی‌جین‌پینگ به روسیه، نشان می‌دهد استراتژی انزوا-محور ایالات متحده آمریکا با شکست سختی روبرو شده و واشنگتن در کاهش مناسبات مسکو-پکن ناتوان بوده است؛ این دقیقاً دلیل ترس آمریکا و سخت‌تر شدن مقابله با رقیب همتای خود یعنی چین در شرایط گذار نظام بین‌الملل است.

انتهای پیام/

آمریکا

سفر رئیس‌جمهوری چین به مسکو

18417

کد خبر

بین‌الملل

سرویس

۱۴۰۲/۰۱/۱۴ - ۰۹:۳۳:۲۱

تاریخ انتشار

۱۴۰۲/۰۱/۱۴ - ۱۰:۲۹:۲۸

آخرین به‌روز رسانی

۱

تعداد دیدگاه

ایرنا

مرجع